

ادامه تصویربرداری در شمال کشور

«دوچ» با ثریا قاسمی به نیمه راه رسید



ثریا قاسمی بازی‌گر پیشکسوت و شاخص سینما و تلویزیون ایران در حال نقش‌آفرینی در فیلم دوچ آخرین ساخته کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که اکنون ۵۰ درصد از تصویربرداری آن به پایان رسیده است.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، کار تصویربرداری این فیلم به نویسندگی و کارگردانی امیر مشهدی‌عباس از تیر ۱۳۹۷ در یکی از مناطق شمال کشور آغاز شده است.

در حالی که علاوه بر ثریا قاسمی بازی‌گرانی چون کوروش سلیمانی، شیوا

مشکلات مالی، توانایی تهیه دوچرخه را ندارد. او برای به دست آوردن دوچرخه مسیری جالب را انتخاب می‌کند و انتخاب این راه اتفاق‌های مختلفی را به دنبال دارد.

بر همین اساس از هاشم مرادی به‌عنوان مدیر فیلم‌برداری، نوید فرح‌مرزی طراح گریم، احمد سعادت‌بخت طراح صحنه و لباس و رضا کشاورز مدیر صدابرداری نام برده شده است.

دو فیلم جدید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی ساخته می‌شود.

خسرومهر، سرورش جمشیدی، کوروش زارعی، حسین عباسی، عباس ابوالحسنی، محمد امین احمدی و امیرمحمد محمدی در آن به نقش‌آفرینی می‌پردازند.

«دوچ» پس از «ضربه فنی» غلامرضا رمضانی دومین اثر بلند سینمایی به تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۹۷ است که به صورت هم‌زمان تصویربرداری می‌شود.

داستان این فیلم درباره نوجوانی به نام غلامرضا است که علاقه به دوچرخه سواری دارد و دوست دارد تا با دوچرخه‌اش مسابقه بدهد و جایزه به دست آورد، اما به‌دلیل

دو قاب از بوم تصویرگری ایران و براتیسلاوا در سنج

طلسمش را بشکند و در آن دخالت کند مهم‌تر از همه ما باید رفتارشناسی عناصر طبیعی را هم بدانیم تا برای شعری این چنین: رنگ صبح خورد تک تک درخت‌ها توی صف به خط شدند با صدای از جلو نظام باد دست‌هایشان روی دوش هم سوار شد یک صف بلند در کنار پیاده رو قطار شد

دوباره بدهی و از سر نو طرحی نو دراندازی. علیرضا گلدوزیان متولد سال ۱۳۵۵ است او اهل تهران است و نقاشی را پیشه خود کرده است و پس از تحصیل در دانشگاه فقط به تصویرسازی کتاب کودک پرداخته است. جوایز متعددی دارد که مهم‌ترین آن جایزه دوسالانه براتیسلاواست. او این جایزه را در سال ۲۰۰۵ برای کتاب‌های «جوراب سوراخ» و «مدادهای سیاه و قرمز» دریافت کرده است. او از تلاش‌هایش برای رسیدن به نقطه اوج تصویرگری‌اش و امروزش و دغدغه‌هایش برای کارهایش می‌گوید. یادآوری می‌کند که هر کاری را که آغاز می‌کند نقطه صفر شروع است انگار همه چیز از آموزش و

او می‌گوید که از طرفی هم ارتباط حوزه و کانون همیشه دوستانه بوده است خصوصا اکنون که مدیرعامل کانون از خانواده حوزه هنری است و هنوز هم کارهای فرهنگی مشترک با همکاری مدیرکل کانون استان انجام می‌دهیم چون معتقدم که برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مشترک، تولید مشترک و قابل قبولی را به همراه دارد.

همه‌جای ایران، سرای هنر

حامد رهنما مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که بار اصلی این نمایشگاه بر دوش مجموعه‌اش بوده، در خصوص انتخاب استان کردستان به‌عنوان گزینه اول برای برگزاری این نمایشگاه، ظرفیت‌های خوب استان و تمرکززدایی از تهران به سمت استان‌های دیگر را از سیاست‌هایی جدید کانون دانست و از برگزاری جشنواره دوسالانه نقاشی کودک و اکران فیلم‌های جشنواره پویانمایی تهران در استان‌ها هم سخن گفت.

به‌گفته او همین نمایشگاه تصویرگری ماه آینده در خراسان رضوی برپاست. رهنما اتفاق خوب این نمایشگاه را برپایی و کارگاه علیرضا گلدوزیان دانست و اظهار امیدواری کرد طی نشست‌های متعددی که روح‌الله کاظمی‌زاده مدیرکل نظارت بر انتشارات کانون با نویسندگان، مولفان، نقاشان، تصویرگران و طراحان کتاب کودک در کانون داشته و دارند تعامل بیشتری بین نویسندگان و تصویرگران کتاب‌هایی که مجوز چاپ می‌گیرند اتفاق بیافتد زیرا این خواسته کودکان سراسر کشور در برنامه‌های دویتجربه سراسر کشور بوده است.

خبر خوش مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون مربوط به پخش کتاب‌های کانون بود که از این پس نشر کتاب‌ها دایره گسترده‌تری را به خود اختصاص خواهد داد و تعطیلی قسمت فروش کانون نیز به دلیل به‌سازی پخش کتاب‌ها و ارتباط بیشتر فروش کتاب‌های کانون و قرار گرفتن این کتاب‌ها در قفسه‌هایی غیر از دفاتر فروش کانون است. وی بازشدن دفاتر فروش کانون تا ماه آینده را قطعی دانست.

سهیلا شیخی مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کردستان ضمن خیرمقدم به مهمانان و حاضران در جشنواره این حسن انتخاب را به فال نیک گرفت و از تکاپو و تلاش همکاران کانون برای برپایی این نمایشگاه تشکر و اظهار امیدواری کرد این نمایشگاه فتح بایی برای بهتر شدن و به‌روز شدن تصویرگری کتاب‌های آینده کانون باشد.

روز دوم در قاب تصویر علیرضا گلدوزیان

گاهی اتفاق‌های خوب با هم می‌افتد دیروز نمایشگاه و امروز حضور در کارگاه تصویرگری کتاب کودک استاد گلدوزیان، نفس کشیدن در هوای هنر زندگی را زلال و جاری می‌کند بدون این‌که دغدغه‌های سخت روزمره را احساس کنی. نه این‌که زندگی را از یادادت ببرد نه نفس کشیدن در هوای هنر و نشستن در محضر استادان یادآوری می‌کند که زندگی لب‌طاقچه عادت نه تنها از یاد نمی‌رود بلکه حس غریب یک مرغ مهاجر را به لمس تنهایی ماه پیوند می‌زند و تو را با طبیعت آشنایی می‌دهد آن‌گونه انرژی مضاعف‌گیری خون در رگ‌هایت بدمد و گونه‌هایت سرخی عشق را حس کنند و تو به قلمت جانی

از آغاز

از روزی که نویسنده‌ای قلم به دست گرفته است تا پیچ و تاب واژه‌ها را در ذهنش بر روی کاغذ ثبت کند قصه‌ای کودکانه خلق کند و آن طرف‌تر بار آشنایی که از قضا نقاش خوبی هم هست دوستانه و از سر ذوق آنچه نویسنده نگاشته است صمیمانه درک می‌کند و این بار او از دنیای واژه‌ها به دنیای رنگ‌ها و تکنیک‌ها پرواز می‌کند تا نقشی بر بوم کودکی خلق کند که هم خودش به تنهایی و هم بر آسمان واژه‌ها چون ستاره‌های دنباله‌دار خوش بدرخشد و در جایش خوش بنشیند آن‌چنان که تحسین همگان را در همه دوران‌ها برانگیزد و اینجاست که آنچه از دل برآید همیشه و در همه حال زنده و بویاست شاید انتخاب کتاب‌های راه‌یافته به همه دوسالانه‌های گذشته از سوی جمهوری اسلوواکی صحت این ادعا را بیشتر نمایان سازد زیرا تاکنون هر چه انتخاب شده از کتاب‌های پخواننده‌ای بوده که کودکان دیروز با شوق و ذوق از آن‌ها خاطره دارند.

همه هستند

حضور بزرگان عرصه نقاشی و تصویرگری استان کردستان در افتتاحیه این نمایشگاه برگ برنده دیگری بود که غرور و افتخار را در همه حاضران زنده می‌کرد. فردین صادق‌ابوبی چهره برجسته استان و استاد مسلم نقاشی در عرصه بین‌المللی، آثار راه‌یافته به نمایشگاه را خوب و در حد بین‌المللی دانست اما اذعان داشت که گمان نمی‌کنم تصویرگرانی که سال‌ها پیش این تصاویر را کشیده‌اند هنوز هم با همان تکنیک‌ها تصاویر خود را برای کودکان امروز بکشند زیرا دنیای کودکان امروز فانتزی‌تر و با ارتباطات

گزارش از: هاجر صفایبخش، مربی مرکز آفرینش‌های ادبی کانون استان کردستان

یک‌هفته قبل، روز یکشنبه عقریه‌های ساعت به سمت ۱۰ زندگی را با عجله پشت سر می‌گذارند. گرما و ترافیک به دلهره‌هایم می‌افزایند، خدا را شکر سر وقت می‌رسیم به گالری سوره سینما بهمن، محل برگزاری نمایشگاه بین‌المللی دوسالانه کتاب کودک برا تیسلاوا.

این همکاری و این اتفاق خوش را باید به فال نیک بگیریم، قدم در فضای گالری و نفس کشیدن در هوای تابلوها حسن نوستالوژی خوبی را در تو زنده می‌کنند حس زیبایی که ناخودآگاه تو را می‌برد به دنیای کودکی به دنیای قصه‌های قدیمی و دنیای رنگارنگ کودکی همان‌جا که گل‌های بابونه سفید را از زمین محل بازی‌ات می‌کنی و به موهبت سنجاق می‌کنی و سنجاق آرزوهایت را در هوای لذت‌های کودکی پرواز می‌دهی.

نمی‌دانم سفر از کودکی تا امروز چقدر سریع گذشته است؟ و با چه شور و حالی این مسیر طی شده است؟ اما این تابلوها چه تابلوهای آثار بزرگان ایرانی و چه آثار هنرمندان براتیسلاوایی ناخواسته تو را یاد روزهایی می‌اندازد که تازه کتاب‌خوان شده‌ای و شوق خواندن کتاب در درون تو طعم گس تابستان و گرما و بازی و اندکی هم کتاب را زنده می‌کند، سال‌هایی که خودت پول‌هایت را جمع می‌کردی و کتاب می‌خریدی یا نه اگر تنها اندکی فقط اندکی خوشبخت بودی در خانواده تو عمومی، دایمی، خلاصه فرد کتاب‌خوانی پیدا می‌شد که چند سال از تو بزرگ‌تر و عاشق کتاب بودند و کتاب‌خانه کوچکی هم



تصویر ایستا و خسته ولی رنگ و روح نکشیم هر چند شعر بر از آرایه‌های ادبی و استعاره در معنا و کلام است باید رمز و راز پشت واژه‌های شعر را نیز دریابیم شاید عجیب نباشد اگر بگویم باید رنگ کلام را در شعر دریافت تا برای شعرهایی با مفهوم گرم رنگ‌های سرد به کار نبریم و بالعکس هر چند تصویرسازان امروز و جوان ما با شتاب و عجله می‌خواهند فاصله رسیدن به غرب و اوج تصویرگری خود را با دنیا کم کنند اما شناخت فرهنگ عامه و درک اتفاق‌های پیرامون خود، هم‌زمان مطالعه ادبیات و تصویرگری روز دنیا کارسازتر از این شتاب با عجله است خوب همه دوست دارند با ناشر خارجی کار کنند زیرا کار کردن با ناشر خارجی پول و سرمایه می‌آورد چون او به دلار با تو حساب می‌کند برایت اعتبار جهانی می‌آفریند راه ورود به نمایشگاه‌ها و فستیوال‌ها را باز می‌کند اما او از تو یک استاندارد خط کشی شده برابر قوانین روز اروپا می‌خواهد و تو از همان اول باید همه را بدون کم و کاست از طراحی شخصیت اصلی تا استوری‌برد و فریم به فریم داستان ارایه دهی.

آشنایی و لمس کتاب‌هایی که استاد شخصا کار کرده است جان و طراوت تازه‌ای به کلاس بخشید که هم‌نوازی ساز تجربه و دانش را در گوش زمان طنین‌انداز کرد و نوازش گوش و چشم و ذهن را برای مدتی باهم امکان‌پذیر کرد. شاید باید هر روز به این قاب که درست در وسطش نوشته است: چونکه با کودک سر و کارت فتاد / هم زبان کودکی باید گشاد. نگاه کرد تا دریابیم نیازسنجی‌های کودک امروز را. امیدواریم این کارگاه‌ها هر چند وقت یک‌بار تکرار شوند زیرا بیان عشق در هر محفلی قند مکرر است.

مطالعه و تحصیل از همین نقطه شروع می‌شود از همین کتاب پوستر و یا هر کاتالوگی که برای تصویرگری پیشنهاد شده است. او خاطر‌نشان می‌کند که برای این‌که تصویرگری بهتری داشته باشیم باید در حوضچه هنرهای تجسمی از مبانی هنرهای تجسمی از قبیل بافت و مبانی اولیه این حوزه تا تخصصی‌ترین واژه‌ها و مطالب شنا کنیم تا به وقتش شناگر ماهری باشیم. باید چترهایمان را در وادی ادبیات ببندیم زیر باران واژه‌ها قدم بنیزیم بر ادبیات پر استعاره و رمز و راز فولکلور و قدیمی مملکت‌مان دوست باشیم و سر سفره افطار عناصر داستان با بهترین آن‌ها سفره بچینیم و زیر بهم‌ها و افت و خیزهای رویداد در داستان را بلد باشیم با گره و گره‌گشایی در داستان دست و پنجه نرم کنیم. با مفاهیم و واژه‌های روان‌شناسی کودک آشنا باشیم زیرا هر عنصر از نقاشی کودک یک نشانه در روان‌شناسی را به خود اختصاص داده است و برای ارائه تصویر بهتر و هماهنگ‌تر با داستان باید این‌ها را بلد باشیم. لازم است داستان را درک کنیم برای داستان‌های رئال که از واقعیت زندگی گرفته شده‌اند تصاویر تخیلی کمک‌کننده نیست همچنان‌که برای داستانی مثل «آلیس در سرزمین عجایب» تصاویر رئال جواب‌گو نیست. شناخت مکتب‌ها، بررسی انواع فرهنگ‌ها و آشنایی با خرده فرهنگ‌ها کمک شایانی به ارایه یک تصویر درست به‌جا و در خور متن می‌دهد هر چند ارتزاق زندگی و روز مرگی‌ها گره عشق را می‌گسند و تو مجبور به قبول سفارش‌هایی می‌شویی که نباید، اما همین کارها را هم باید درست انجام داد. باید آن‌چنان منطقی پشت تصاویر بماند که افسون هیچ ناشری نتواند



عاطفی قوی‌تری شکل گرفته است. ایوبی به دنیای مجازی هم اشاره کرد که یک ابزار تکنیکی در دست کودکان است که اگر بخواهند می‌توانند به سادگی با عکس‌های سلفی‌شان اثر خلق کنند. امین مرادی مدیرکل حوزه هنری از این همکاری اظهار خرسندی کرد و افزود به جای این‌که موازی‌کاری کنیم می‌توانیم با همکاری ادارات با هم فعالیت‌های فرهنگی بهتری در سطح استان انجام دهیم در حالی که ما مکانی با استانداردهای بین‌المللی داریم که دسترسی خانواده با توجه به موقعیت مکانی آن راحت‌تر است.

گوشه تاقچه اتاق دنجی داشتند که تو قدم‌هایت را آهسته آهسته به سمت این اتاق و تاقچه‌اش برداری و دور از چشم همه سواد خواندنت را به رخ خودت بکشی و برای خودت کتاب بخوانی و در همین لحظه که داری از تصویرهای کتاب لذت می‌بری و با داستانی که پیش رو داری رویاپردازی می‌کنی صدای مادرت که اسمت را صدا می‌زند تو را به دنیای واقعی بر می‌گرداند. این‌جاست که طعم شیرین خاطرات گذشته و خاطره بازی همیشه عالی و تازه است آن‌هم خاطره بازی‌هایی از جنس اندیشه.